

ایران و جهان اسلام از نگاه اصفهان

در

شهر موزه نقش جهان*

باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی

پیشگفتار

شواهد بر این گواه دارند که طرح جامع صفوی آغاز هزاره یازدهم^۱ به صورت طرحی آرمانی فکر شد و چنین نیز تحقق یافت. اصفهان پیش از آن دو مرحله^۲ مهم را پشت‌سر گذاشته بود تا قادر به پذیرش این مرحله از پیش فکر شده متحول گردد.

هر چند طرح صفوی ملهم از تجربیات ایرانی - اسلامی پیش از خود است ولی به علت نوآوریها و ویژگیهای طرحی استثنایی در تاریخ شهرسازی ما به شمار می‌آید. پدیدآورندگان این طرح در آفریده خود به دو محور مهم توجهی هوشیارانه داشتند: **فرهنگ و طبیعت**.

طرح افکنان اصفهان صفوی در به کارگیری این دو پدیده پویا و خلاق برخورد کردند. و برای دستیابی به این آرمان تمام ابزارهای لازم را آفریدند و با درایتی شایسته به کار بستند.

طراحان از سوئی شهری هزارساله داشتند که به فرهنگش، به گذشته‌اش، به مردمش و به ارزشهایش برای کار خود به شدت نیازمند بودند. تا شهر خود را به آن پیوند زنند و شرایطی را پدید آورند که تداوم زندگی شهر از راه داد و ستدی استوار، معقول و مطلوب برقرار گردد. وام‌خواهی و وام‌دهی شرطی اساسی برای این تعامل بشمار می‌آمد.

وامی که از آن می‌گرفتند قادر بود که به طور همزمان دو هدف را تامین کند: خودی بودن و پویا بودن. میدان نقش‌جهان به همان نسبت به میدان کهنه مدیون است که مسجد جامع جدید به مسجد جامع عتیق، هر چند فضاهائی متفاوت و امروزی داشتند ولی آشنا و مطلوب و کارآمد بودند. در ایجاد این ارتباط ابزارهای متناسب کالبدی نیز می‌باید پیش‌بینی می‌شد. فراهم دیدن شبکه چهار بازار، قیصریه در شمال میدان جدید که شبکه بازار کهن را به حلقه و فضای میدان نو پیوند می‌داد و به سوی جنوب تداوم می‌بخشید از جمله آنها است.

تعامل شهر با طبیعت (عامل اصلی دوم طرح) می‌بایست شکلی امروزی پویا و سامان یافته می‌داشت. ادغام طبیعت در پیکره شهر گسترده صفوی مفهومی به تمام معنی بیش بعدی داشت که حضور زنده رودخانه در ترکیب آن سخن اول را می‌گفت و پیوند دهنده دیگر عناصر طبیعی با

تمامیت شهر بود. طبعا این حضور طبیعت می‌بایست خود را با الزامات زندگی شهر وفق می‌داد. مفصل‌بندیها و سلسله مراتب بخشیدنها یک ضرورت بود. گره‌های برخورد حرکت بافت شهر با طبیعت اهمیت ویژه و حیاتی پیدا می‌کرد. به همین دلیل است که پلها مفهوم خود را به فضاهائی در جهت تداوم بخشیدن به کالبد شهر می‌داد. وارد کردن کوه به فضای زندگی و منظر شهری تمهیدات ویژه خود را می‌طلبید؛ کوهها هریک به نحوی حضور طبیعی خود را در شهر پیدا می‌کنند؛ برخی در منظر و برخی در بافت و گاه با هر دو عملکرد. گسترش باغها به عنوان یکی از عوامل طبیعی (مصنوع) و تنظیم‌کننده در دو ساحل رودخانه و در دامنه کوه صفا در جنوب و کشانده شدن آن به اعماق بافت زنده شهر در جنوب به موازات آب (مادیها) و هوا اوج توفیق طرح را شکل می‌دهد. و شهر را در یک چهارباغ بزرگ چهره یک شهر باغ می‌بخشد. اجمالا طرح جامع صفوی مهر زرین و پررنگ خود را بر تاریخ معماری و شهرسازی ما می‌زند.^۳

منظور از ارائه این گزارش اشاره و بیان برخی از توانمندیها و ظرفیتهای بالقوه و بالفعل اصفهان است و چگونگی بهره‌گیری از آن در یک مثال و آن استفاده از قابلیت‌ها، امکانات فوق‌العاده‌ای که میدان نقش جهان دارد در ساماندهی فرهنگی به فضای شهر گسترده امروز شهر اصفهان.

از آن زمان که حضور صفویان با یورش افغانه غروب کرد^۴ اصفهان علت وجودی خود را به عنوان بزرگترین پایتخت تاریخ دوران اسلامی ایران و نخستین کانون دنیای تشیع جهان از دست داد. با افول صفویان آب حیات از وجود این شهر رخت برپست و کالبد عظیمش، با متوقف شدن جریان‌های حیات بخش علمی، سیاسی، اداری، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی در شریانها و اعضاء وجود آن، دچار انقباضی ناگهانی و فروپاشیدگی شد. نفوس آن به یک دهم کاهش یافت و عملا فاقد مدیریت شهری شد. افغانه در کوتاه مدتی که در شهر بودند خود را درون دیواری (بارواشرف) در محله دولت محبوس ساختند.

این خلا عظیم و شکننده چیزی نبود که حتی با حضور دولت مستعجل افشاریه^۵ پرشود، ظهور دولت منعطف و مرمت‌گر زندیه نیز کارساز نبود.^۶ چنین به نظر می‌آید که علی‌رغم ارادتی که زندیان به صفویان داشتند خود را در شان و منزلت شهر اصفهان نیافتند، از اینرو نخست قصد شهر کوچک تهران را کردند و سپس شهر کوچک شیراز را به پایتختی برگزیدند.^۷

مدیریت کلان شهر رها شده، پرتنوع، پیچیده و پرهزینه‌ای چون اصفهان مسئولیتی نبود که حکومت‌های بعدی قادر به انجام آن باشند و یا حتی به آن تن در دهند.

قاجاریان نیز به دلائلی تهران را برای پایتختی بر اصفهان ترجیح دادند و شهر پس از یک قرن بلا تکلیفی به دست والیان قاجاری افتاد که انگیزه و امکانات لازم را برای نگهداری و مدیریت شایسته آن نداشتند به ویژه که اصفهان پس از تهران و تبریز از نقطه نظر سیاسی به شهری درجه سوم تنزل درجه یافته بود. هرچند شهر با فراهم آمدن استقرار و امنیت جمعیت پذیر شده بود و محلات شهر هرچند فرسوده تحرکی یافت و نام دارالعلم به خود گرفت ولی آنچه که معضل اصلی

اصفهان بدون حضور صفویان

درماندگی قاجاریان در اداره

شهر اصفهان

اصفهان شهر سوم

به شمار می‌آید بخش درباری و حکومتی شهر دوران صفوی بود که حدود بیست درصد کل سطح شش هزار هکتاری شهر گسترده اصفهان (یعنی چیزی دو برابر سطح تهران در محدوده حصار شاه‌طهماسبی، که پایتخت قاجاری شد) را تشکیل می‌داد و فصل مشترک چهار بخش عمده شهر (شهر کهنه، شهر نو یا عباس‌آباد، شهر جلفا و گبرآباد) بود.

جدای از این بخش حکومتی درباری فضاهای عمومی بسیاری مانند: مساجد، مدارس، کاروانسراها، حمامها، بازارها، میادین و دیگر فضاهای مسکونی و بزرگ شهر به علت کاهش جمعیت و فعالیت‌ها حالتی نیمه متروک پیدا کرده بود.

بهرحال فضاهای شهری می‌بایست خود را در حد یک شهر ایالتی یک صد هزار نفری بجای هفتصد هزار نفری پایتخت تنزل می‌داد.

فضاهای دولتی صفوی داخل شهر را به شرح زیر بطور اجمال می‌توان احصا کرد: ارگ حکومتی، باغ جهان‌نما، باغات طرفین محور چهارباغ شمالی و جنوبی تا هزار جریب، باغات طرفین رودخانه زاینده‌رود و دیگر باغها و کاخهای متفرق در شهر و حاشیه آن نظیر قلعه تبرک باغ فرح‌آباد که جمعا مساحتی را حدود هشتصد هکتار تشکیل می‌داد.

تصویری که مورخین و جهانگردان از وضعیت بلاتکلیف شهر اصفهان در این دوره ارائه می‌دهند اسفانگیز است و گویای درماندگی مسئولین ایالتی در اداره این شهر سترگ است. هرچند آشفتگی اصفهان را در دوران قاجاریه بسیاری خواسته‌اند دلیلی بر عناد قاجاریان با صفویان بدانند ولی بهتر اینست که اینطور فکر کنیم که اینان نه نیازی به این شهر بزرگ داشتند و نه امکانی برای نگهداری آن. همیشه این قیاس در ذهنم هست که اگر روزی تهران به درد اصفهان سه قرن پیش دچار شود یعنی اینکه علت وجودی خود را به عنوان پایتخت از دست دهد و به شهری درجه سوم تنزل یابد و جمعیت آن از ده میلیون به یک میلیون رسد و مدیریت شهری به مرزی رسد که حتی قادر به اداره شهر یک میلیونی هم نباشد چه خواهد شد؟ و چه تصویری از تهران می‌توان داشت؟

بهردلیل کلان شهر اصفهان را قاجاریان نتوانستند و نخواستند نگهدارند، باغها زودتر از هر فضای شهری دیگر به زمین‌های بایر و بیشه تبدیل شد کاخها فرو ریخت تا به منابعی برای استخراج مصالح برای ساخت و سازهای جدید شود. بازارها متروک و یا بی‌رونق ماند بناهای عمومی به علت فقر و اقتصاد ضعیف مردم و دولت و بی‌مصرف ماندن رو به زوال رفت. چند کاخی بر حسب تقدیر برجا ماند تا یادی از دهها کاخی^۸ باشد که صدها باغ^۹ دولتی و غیر دولتی را زینت می‌بخشیدند.

دقیق‌ترین نقشه‌ها و ترسیم‌هایی که از وضعیت باغها و کاخهای بازمانده از دوره صفویه در دست داریم نخست ترسیم‌های کمپفر است^{۱۰} که در اواخر دوره صفویه همراه با گزارشی گویا است و دیگری که با دقت تمام‌تر فراهم دیده شده مربوط به سالهای ۱۱۲۶۷/۱۸۵۱ است که توسط

فضاهای دولتی و عمومی
بی‌مصرف و رها می‌شود

اصفهان در هم فرو می‌ریزد

اصفهان فراتر از شان و
ظرفیت قاجاریان

اصفهان در سالهای ۱۸۶۳/۱۲۸۸
از نگاه هولستر

اصفهان و کمپفر

پرسکور یا کف و پراتور شیکف جریفک روسی مصادف با اوائل حکومت ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر^{۱۲} تهیه شده است که در آن کلیت محدوده تقریبی شهر صفویه قابل رویت است. عکسهای گویائی از اصفهان توسط ارنست هولستر در سالهای ۱۲۸۸/۱۸۶۳ نیز در دست است.^{۱۳} و در آلبومخانه کاخ گلستان تصاویر تاریخی گویائی از بازمانده‌های کاخ‌ها، باغها و تاسیسات حکومتی دوران صفوی، مربوط به همین سالها، از اصفهان مضبوط است که از آنجمله می‌توان از عکس بسیار ارزشمند دروازه دولت و کاخ جهان‌نما در آغاز شمالی‌ترین بخش محور چهارباغ یادکرد که بنائی در سه طبقه و یادآور معماری، کاخ عالی‌قاپوی میدان نقش جهان است. که براساس گزارش اسکندر بیک منشی نقطه آغازین طرح جامع عباسی را مشخص می‌ساخته است. اسناد و مدارک چنین حکایت دارند که باغها و کاخهای شهر صفوی اصفهان هرچند غالباً ویران و متروک تا دوران ظل السلطان سایه خود را حفظ کرده و شهر صفوی را مشخص می‌ساخته است.

با توجه به اظهارات جابرا نصاری در کتاب تاریخ شهر اصفهان می‌توان گفت که این وضعیت تا سالهای ۱۳۰۹ هـ.ق با درگذشت مشیرالسلک وزیر مقتدر ظل السلطان که اکیدا از واگذاری املاک خالصه و تخریب کاخهای صفوی جلوگیری می‌کرد باقی مانده بود.^{۱۴}

سند معتبری که از این دوران از اصفهان داریم کتاب ارزنده نصف جهان فی تعریف الاصفهان تالیف محمد مهدی اصفهانی است که بین سالهای ۱۳۰۰ ق تا ۱۳۰۸ ق نگارش شده است.

کتاب تاریخ اصفهان تالیف جابر انصاری^{۱۵} که به سال ۱۳۲۰ ش منتشر شد آکنده است از آنچه که در دوران حکومت کاهلان و فقیرانه ظل السلطان بر باغها و کاخها و طرح جامع صفوی وارد آمد. میرزا حسن‌خان از سن نوجوانی و از سالهای ۱۲۹۱ در کارهای دیوانی ظل السلطان حضور داشته است و خاطرات وی یکی از پردردآورترین خاطراتی است از آنچه بر اصفهان دوران صفوی در دوران قاجاریه و اوائل حکومت رضا شاه گذشته است.

از اوائل دوران مشروطیت (۱۳۲۴ق/ ۱۲۸۶ش/ ۱۹۰۷م) تصاویر و ترسیم‌های ارزنده‌ای در فاصله سالهای ۱۴-۱۹۰۷ از معمار فرانسوی، هانری ویوله از اصفهان داریم.

شاید که گویاترین نقشه‌ای که از آغاز قرن چهاردهم شمسی هجری داریم نقشه سال ۱۳۰۲ ش سیدرضا خان از اصفهان باشد. سالهای پایانی دوران قاجاریه و نقطه عطف و حساس تاریخ شهر را ثبت کرده است. علی‌رغم گذر یک قرن و نیم دوران پر مخاطره بر شهر اصفهان وضعیت ارائه شده از شهر هنوز سایه پررنگ طرح جامع صفوی را در شمال شهر بر خود دارد.

قرن چهاردهم هجری شمسی مصادف است با رخداد جنگ جهانی اول، انقراض دولت قاجاریه و ظهور دولتی جدید، پس از گذر مرحله نخست دوران مشروطیت. از ویژگیهای این مقطع تاریخی رخ نمودن مظاهر انقلاب صنعتی در کشور است. که نماد آن در شهرهای ما حضور و سائل نقلیه موتوری و بالتبع پدیده خیابانها در بافتهای شهرهای کهن ما است محور چهارباغ و فضاها با طرفین آن که باقیمانده فضاها باغ‌های دوران صفوی را شامل می‌شد و طرحی هندسی داشت

اصفهان نصف جهان

گزارشی پرسوز از
اصفهان

اصفهان در دوران مشروطیت

اصفهان در غروب قاجاریان

تاثیر انقلاب صنعتی

برای شکل‌گیری مرکز جدید شهر اختیار شد: دولت‌خانه صفوی مقر ادارات دولتی، چهار باغ محور خطی شهر شد و شهر عمدتاً بر فضاهای باز طرح صفوی شکل گرفت و در ظرف مدت کوتاه نیم قرن فضاهای توسعه یافته شهر دوره صفویه به تصرف در آمد و یکی از بزرگترین تجربیات تاریخ شهرسازی ایران محو گردید.

گزارش معمارانه و شهرسازانه بودوئن در سال ۱۹۳۲/۱۳۱۱ در شماره دو اوربانیزم مقطع بسیار مهمی را رقم می‌زند.^{۱۶} سالهای ۱۳۰۹ به بعد دوران استقرار پهلوی اول و اوج‌گیری آن است آنچه بودوئن ارائه داده نه سخن از تحرک جدید است بلکه شرحی است از آنچه اصفهان در دوران صفویان بوده است.

میدان نقش جهان که در عهد قاجاریه مرکزی‌تری تسبی داشت با محوریت یافتن چهارباغ به پارک شهر (۱۳۱۵) تبدیل شد. در همین دوران دولت دست به تعمیرات وسیعی در میدان نقش جهان زد. صرف‌نظر از مرمت مسجد شاه و مسجد شیخ لطف‌الله جبهه‌های میدان را که به ویرانه‌ای تبدیل شده بود آبروی بخشی خرد و به بیانی روشن‌تر تنها اقدام مهمی که انجام شد مرمت پوسته نمای میدان بود. بازارهای اطراف میدان به ویژه بخش غربی که همسایه ادارات دولتی بود بین ایشان تقسیم شد و تنها آنچه ماند، نیمه زمین در راسته شرقی و شمالی بود.

سده فوقانی میدان به‌طور کلی ریزش و ستروک ماند تنها ایوانهای رو به میدان حجرات فوقانی بصورت پوسته‌ای به سوی میدان آبریش یافت و جریان آب حوی شاه نیز از آن قطع شد. عملاً از تمام میدان چهارباغی ماند و فضایی تهی در میان. با احداث خیابانهای سیه و استشاری محور شمالی جنوبی شهر که از میدان عبور می‌کرد بصورت قطعی به چهارباغ منتقل شد و تاثیر نامطلوب این امر به امتداد یافتن چهارباغ به سوی شمال بر سراسر بازار بزرگ نیز تشدید یافت.

میدان که روزگاری پر جنب و جوش‌ترین کانون کشور به شمار می‌آمد عملاً به گودالی عظیم بی‌روح تبدیل شد. هرچند روند تهی شدن میدان با سقوط صفویان آغاز شده بود که سربازخانه شدن آن در دوره ظل‌السلطان نشان بارزی از افول آن بود. با ادامه روند خیابان‌کشی‌ها در شهر ساختار شهر کهن اصفهان و طرح اندازیه‌های کلان شهر دوران صفوی در هم فرو ریخت ولی هیچگاه تاثیر خود را بر نظام شطرنجی شهر از دست نداد و خیابانکشی‌های به دون در نظر گرفتن مفاهیم آن از نظام آن تبعیت کرد.

اصفهان در سالهای پس از جنگ جهانی دوم هر چند به تدریج مقام شهر دومی کشور را به دست آورد و در زمان اولین طرح جامع جدید خود^{۱۷} در سال ۱۳۴۰ شمسی دویست و پنجاه هزار نفر جمعیت داشت و پس از آن با وارد شدن صنایع سنگین (نظیر ذوب‌آهن) و شروع گسترش انفجار آمیز شهرهای ایران در سالهای پس از ۱۳۴۶ به بعد در زمان طرح جامع دوم جدید^{۱۸} خود به سال ۱۳۵۰ جمعیت آن به ششصد هزار نفر رسید. در سال‌های شصت در جهت پاسخوئی به رشد روزافزون جمعیت شهری و تغییرات و تمرکز بیش از پیش صنایع و دیگر فعالیت‌های

اصفهان از نگاه بودوئن در اوج قدرت پهلوی اول

میدان نقش جهان پارک‌شهر می‌شود

میدان نقش جهان پوسته‌ای به فضایی میان‌تهی میدان نقش جهان نقش خود را بطور قطعی از دست می‌دهد

اصفهان در سال ۱۳۵۰ هنوز فراتر از محدوده دوره صفوی نرفته است

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خدماتی طرح جامع سومی^{۱۹} فراهم دیده شد. و این بار طرح نگاه به تمام منطقه اصفهان داشت در این طرح برخلاف طرح پیش از خود که اصفهان آینده را بصورتی پیوسته دیده بود، توسعه شهر اصفهان به صورت گسسته دیده شده است. علی‌الظاهر یکی از اهداف تجدید نظرها در طرحهای جامع در ظرف سه دهه با نیت ساماندهی و تجدید حیات شهر تاریخی اصفهان در بستر شهر گسترده بود. که خود فی‌نفسه می‌تواند تغییر نگرش فرهنگی کشور در برخورد با شهرهای تاریخی را نشان دهد.

هر چند این تغییر نگرش تنها به اصفهان ختم نمی‌شد بلکه توجهی بود که قصد دست یافتن به راه‌حلی برای رفع مشکل شهرهای رو به گسترش در رویارویی با هسته‌های تاریخی آنها بود.

بدون ورود به این مبحث طولانی و ویژه تنها این نتیجه را می‌توان اعلام کرد که نه تنها توفیقی در این زمینه تا کنون به دست نیامده است بلکه به نابسامانی‌ها به شیوه‌ای تاخیری و تخریبی افزوده است و ساختارهای شهرهای کهن در وضعیت بسیار ناهنجار قرار گرفته است. دو مشکل اساسی موجب این وضع بوده است. اول فرهنگ اقتصاد مصرفی وابسته رو به رشد که طبیعتی ضد تاریخی دارد. و دوم جدی نگرفتن مسئله از سوی سطوح بالایی برنامه‌ریزی توسعه کشور در طول برنامه‌های متعدد توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و علی‌الاصول فقدان توان علمی و تجربه کافی در برخورد با این مسئله.

گرچه مطلبی که به این مقاله مربوط می‌شود پرداختن به این امور نیست ولی قطعاً باید آنرا مدخلی برای ورود به مطلب شهر موزه نقش جهان دانست. چرا که آنچه در ذهن از این موزه در سر می‌پرورانیم در واقع خود اصفهان و سیر تحول پدید آمدن آنست و نقش جهان فضائی پلائی و فرصتی بی‌نظیر را برای شناساندن ابعاد ارزشی بی‌شمار این شهر در چهارچوب ایران و جهان اسلام فراهم می‌آورد.

طرح جامع سال چهل اصفهان بطور حیرت‌انگیزی با ارزشهای تاریخی فرهنگی شهر اصفهان بیگانه بود و اجرای آن حکمی قطعی برای درهم ریختن تمام بنیادهای ارزشی آن بشمار می‌رفت ولی خوشبختانه با پدید آمدن جریان مثبت فراگیر جهانی در تجدیدنظر در نگرش‌های حاکم بر رفتار با شهرهای تاریخی بزودی این طرح کنار گذاشته شد. هرچند اجرای بخشی از آن ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره شهر وارد آورده است. و دو طرح بعدی گرچه با نیت جبران خسارت‌های وارده به بافت تاریخی علی‌الظاهر فراهم دیده شد ولی به دلیل عدم وجود تفکری روشن و معتقد به این امر راه بجائی نبرد.

با توجه به فرهنگ نوپای برنامه‌ریزی و طراحی شهری بویژه در ارتباط با شهرهای تاریخی چنین بنظر رسید که دل بستن به امید روزی که توان فرهنگی و علمی لازم برای برخورد سالم با این مهم فراهم آید به درازا خواهد کشید و تا آن زمان، همانگونه که تجربه ثابت کرد، تامل کردن تا کسب تجربه در این وادی برابر با از دست دادن ارزشهایی است غیرقابل بازگشت. ترجیح داده شد بجای طرحهای درازمدت غیر قابل اجرا و اتفاقاً زیان‌بار به طرحهایی دست زد که مبانی ارزشی و

شکست سیاستهای معاصر
در برخورد با گذشته

ورود به مبحث شهر موزه
نقش جهان

در جستجوی راه‌کار، عملی

تاریخی و کاربردی آن کوتاه مدت و میان مدت و قابل تحمل باشد و پذیرش مجریان و مردم را همراه داشته باشد، طبیعتی خوانا، گویا و ساده داشته باشد و شالوده‌ای را برای اقدام مثبت بعدی فراهم سازد.

در پایان سالهای چهل و سالهای پنجاه به دلائلی که ذکر آن در این فرصت کوتاه میسر نیست مجریان و مردم بر چند اصل به توافق رسیده بودند:

- ضرورت مرمت بناهای تاریخی به ویژه آنها که مصرف عمومی داشتند.

- ضرورت ساماندهی به فضاهای شهری از جمله در بافت‌های تاریخی در مقیاسی قابل لمس و محسوس

وفاق فرهنگی محدود

- پذیرش سرمایه‌گذاری در این گونه امور مشروط بر اینکه تاثیرات آن مشهود گردد.

در یک جمع بندی اولیه منطقی از نگاه حفظ ارزشها و سامان بخشی به فضاهای نامتجانس پدید آمده حاصل طرحهای فرمایشی اقدام به اجرای طرحی زیربنائی بود که در آن شبکه عابر پیاده و سواره در شهر به گونه‌ای تفکر شود که ضمن دارا بودن خاصیت کاربردی کیفیتی ارزشی در ابعاد انسانی و فرهنگی نیز داشته باشد. به معنائی دیگر خوانا کردن شبکه فضائی شهری بود که ارزشهای عمده حول آنها متبلور شده و امکان پویائی بالفعل داشت.

ظرفیت بالای موجود در اصفهان که بتواند پاسخگوی این طرح زیربنائی باشد خوشبختانه در اختیار بود و ضرورت داشت که به کار گرفته شده و خوانا شود.

ظرفیتهای بالای فضائی و کاربرد فرهنگی اصفهان

دومحور شمالی-جنوبی و شرقی غربی شهر حاصل موهبت فرهنگی تاریخی (شمالی جنوبی) و طبیعی - جغرافیائی (شرقی - غربی) در دوره صفویه به کار گرفته شده بود منتهی به علت‌هایی که بر شمرده شد حضوری رو به ضعف داشت. کافی بود که این دو محور نام برده شود که

حضورش محسوس گردد: **بازار و رودخانه**

بازار به بیانی ساده پس از عبور از میدان کهنه و میدان نقش جهان می‌بایست به رودخانه مرتبط می‌شد. این ارتباط به رودخانه از میدان نقش جهان از سوی غرب با پشت سرگذاردن ارگ حکومتی و چهارباغ عباسی به سی و سه پل می‌رسد تا از آن به سوی جنوب یعنی چهارباغ بالا و هنر - جریب دست یابد. و از سوی شرق پس از گذر از دروازه حسن‌آباد مسیر کهن بازار و چهارباغ صدر به رودخانه (پل خواجه) می‌رسد تا پس از آن بسوی جنوب یعنی چهارباغ فیض و تخت فولاد دست یابد. روشن است که میدان نقش جهان در این پندار ارتباطی حیاتی را ایفا می‌نماید.

بازار محور شمالی جنوبی

رودخانه محور اصلی شرقی غربی شهر را تشکیل می‌دهد و با توجه به ادغام شدن آن با بافت شهری بخش لایتجزائی از آن بشمار می‌رود این پیوند با شهر به خاطر ویژگیهای رام طبیعی و تمهیدات شهرسازانه تاریخی محقق شده است.

رودخانه محور شرقی غربی

در صورتی که این محورها پیاده فرض می‌شدند که عمدتاً چنین بودند در ارتباط با دیگر محوره‌های پیاده شهر که خواه‌ناخواه با آنها ارتباط داشتند شبکه پیاده شهری منسجمی را پدید

شبکه پیاده شهری

می‌آورد که تمام ارزشهای تاریخی فرهنگی طبیعی عمده شهر را در جریان حرکت خود در کنارشان جمع شده و ردیف شده داشتند.

این شبکه پیاده با عبور از مراکز محلات پیوند مناسب و معقولی را در سراسر بافت کهن می‌توانست بوجود آورد. طرح اولیه برای به تصویر کشاندن این نیت فراهم آمد و برای عملی کردن آن در قالب برنامه نوشته نشده شناوری طی ۲۵ سال گذشته مسیر طولانی و پی‌گیرانه زیر طی شد تا امکان توفیقی نسبی در اجرای آن فراهم آمد. شاید امروزه مردم باورش‌شان نیاید آنچه به دست آمده روزی نبوده است:

طرح اولیه

۱- اولین اقدام مرمت و احیا حلقه بازار دور میدان نقش جهان به منظور احیای تداوم حرکت بازار در میدان و به عنوان فضای ارتباط دهنده عظیم شهری با محلات اطراف آن بود.^{۲۰}
۲- اقدام مهم بعدی اجرای طرح ارتباط دهنده میدان نقش جهان به چهارباغ بود^{۲۱} که عملاً به مفهوم تنظیم و ساماندهی مجدد بخش عمده ارگ حکومتی صفوی بود، در این اقدام بسیار حیاتی ضمن مرمت عمارات واقع در منطقه ارگ امکان ساماندهی باغ‌ها و فضاهای باغ و کاخ هشت‌بهشت، باغ خرگاه، باغ و کاخ چهلستون، باغ خلوت،^{۲۲} کاج، تالار طویله، توحیدخانه، تالار سرپوشیده، کاخ شاخ، نیمی از میدان چهار حوض، بازار مسگرها، حمام خسرو آقا، تالار اشرف و تالار تیموری میسر گردید و فضائی شده است که القاکننده تصویری هر چند محدود ولی قابل قبول از ارگ ناپدید شده حکومتی دوره صفویه و فضائی دلپذیر و کاربردی برای مردم پیاده شهر.^{۲۳}
چنین شد که میدان نقش جهان آغاز کرد که نقش شهری خود را بازیابد ولی هنوز کارهای زیادی می‌بایست صورت گیرد تا این نقش تکامل یابد و گودال سیصد ساله پر شود و به کار شهری آید که جمعیتی دو میلیونی دارد و کشوری که هفتاد میلیون جمعیت.

آنچه که انجام شد تا شهر موزه گامهای نخستین خود را بردارد بازآفرینی ارگ حکومتی

پس از عملی شدن مرحله عمده طرح ارتباط بازار به میدان و چهارباغ، نوبت به محور شرقی غربی رودخانه رسید.

آزادسازی ساحل چپ و راست رودخانه زاینده رود

۳- حریم رودخانه آزاد شد و فضائی مطلوب برای عابر پیاده فراهم آمد. با پیاده شدن پلهای مارنان، سی و سه پل، چوبی، خواجو و شهرستان^{۲۴} ارتباط پیاده ساحل شمالی و جنوبی رودخانه به نحو مطلوبی فراهم شد.

حس شهری پیاده

۴- حس شهری پیاده آغاز به نمودن کرد. ترافیک از بخش عمده میدان نقش جهان زدوده شد تا به پیاده اختصاص داده شود. مشخص است این اقدام زمانی می‌تواند موثر واقع افتد که شبکه سواره با شبکه پیاده توأمان مدنظر قرار گیرد.

طرح منطقه پیاده همراه با نقاط مبدل در پیاده و سواره شهری

۵- طرح منطقه پیاده شمال رودخانه در فاصله میدان کهنه تا رودخانه توأم با شبکه فکر شده پیاده و سواره و نقاط مبدل برای رساندن خدمات، تاسیسات و تسهیلات شهری فراهم آمد.^{۲۵}
۶- به منظور ارتقا بخشی کیفی و کمی محلات واقع در منطقه پیاده به ویژه در اطراف میدان نقش جهان در حریم محور فرهنگی تاریخی طراحی شد.^{۲۶}

طرح ساماندهی محلات مسکونی منطقه پیاده

۷- یکی از برجسته‌ترین اقداماتی که در جهت آبروی بخشی و حیات بخشی غرب میدان انجام شد

تبدیل زندان توحیدخانه به دانشگاه هنر بود.^{۲۷}

۸- ایجاد دو موزه پشتیبان در دو فضای تاریخی تالار سرپوشیده و کاخ شاخ. در یکی موزه هنرهای تزئینی و در دیگری موزه هنرهای معاصر استقرار یافت.^{۲۸}

۹- در جهت ارتقا فعالیت‌های حریم غربی میدان اقدام دیگر تهیه طرح کتابخانه مرکزی شهر در محل تالار طویل بود که می‌توانست به عنوان مرکز اسناد تحولات تاریخی شهر اصفهان نیز مورد استفاده قرار گیرد.^{۲۹}

تبدیل زندان به دانشگاه و
ایجاد موزه‌های وابسته به
نقش جهان موزه هنرهای
تزئینی و موزه هنرهای
معاصر

تمام حرکتها در جهت ارتقا سطح کیفی میدان نقش جهان و آماده‌سازی آن برای پذیرش وظیفه‌ای که در شان آن باشد می‌باید ادامه می‌یافت. تفکر ما در این راستا سو می‌گرفت که میدان تکالیفی در سطح ملی و بین‌المللی را به عهده گیرد. چون معتقد بودیم که تا زمانی که این آمادگی برای میدان فراهم نیاید نتوانسته‌ایم پاسخی در شان آن بیابیم.

تالار طویل کتابخانه
مرکزی شهر

از اینرو هم ساز با فراهم آوردن و اجرای طرحهای کلان شهری در پی آن بودیم که میدان نیز آماده پذیرش وظایفی که قرار است به آن احاله شود گردد.

امکان سنجی بهره‌گیری از
سطح میدان

۱۰- سطح عظیم و آزاد میدان قادر است که وظایفی را در سطح شهری، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی پذیرا باشد این امکان سنجی نیز صورت گرفت.^{۳۰} امکان پذیرش حضور گسترده مردم امکان پذیرش نمایشگاههای بزرگ عرضه تولیدات فرهنگی و هنری و حتی تجاری به صورت موسمی و فصلی و مناسبت‌های ویژه ملی و بین‌المللی.

۱۱- گفتیم که طبقه فوقانی میدان که مشتمل بر نواری که میدان را دور می‌زند متشکل از واحدهای حجراتی بوده که هر یک ایوانی رو به میدان را می‌ساخته که بر اثر مرور زمان به کلی ویران و فضائی فراموش شده بود.

مرکز اطلاع‌رسانی

شهر موزه نقش جهان نیازمند مرکزی وسیع و آزاد برای اطلاع‌رسانی بود که در آن مراجعه‌کننده قادر باشد با آزادی ضمن تجول در فضای آن و نگاه به فراخنای میدان و فعالیت‌های جاری در آن بتواند هر آنچه را که در رابطه با تاریخ تحولات فرهنگی اصفهان در چهارچوب ایران و جهان اسلام است در آن بیابد و از آنجا نشان گیرد.

این اطلاعات منحصر به تحولات فرهنگی می‌تواند نباشد بلکه اطلاعاتی را در ارتباط با اقلیم، جغرافیا، انسان‌شناسی و طبیعت اصفهان، ایران و جهان اسلام را می‌تواند در برگیرد. مراجعه‌کننده قادر خواهد بود که در این کانال اطلاعات‌رسانی نیازهای خود را در ارتباط با مطالعات تطبیقی در سطوح مختلف کسب نماید، این مرکز اشاره‌ها و فلش‌های لازم را به مکان‌ها و زمان‌ها، فعالیت‌ها، تولیدات فرهنگی هنری و تولیدگران آن در اختیار مراجعه‌کننده می‌گذارد.

کانال اطلاع‌رسانی به طول یک کیلومتر و نیم می‌تواند به بخش‌های مختلف تقسیم شود. ارتباط کانال اطلاع‌رسانی (طبقه فوقانی میدان) در نقاط دسترسی امکانات وسیع‌تری را در اختیار مراجعه‌کننده می‌گذارد.

وظیفه این مرکز بطور عمده با این هدف است که جریان تحول‌های فرهنگی را در زمانها و

مکانهای مختلف جهان اسلام به ویژه اصفهان و ایران تا به امروز در اختیار مراجعه کننده قرار دهد.^{۳۱}

۱۲- ایجاد دانشگاه هنر، کتابخانه مرکزی، مرکز آفرینش‌ها^{۳۲} و نیز حضور هزاران نفر تولیدگر امروزی در محور پیاده او را قادر خواهد کرد امروز را از راه گذشته بیابد.

فضای دالان، کانال یا مرکز اطلاع‌رسانی در هر نقطه آن منظر و نگاه جدیدی را به بازدید کننده از میدان می‌دهد. در واقع حرکتی را که در طبقه هم کف در بازارها انجام داده است می‌تواند به شکلی کاملاً متفاوت ولی در امتداد آن در طبقه فوقانی تجربه کند و از فضای میدان و فضاهای اطراف آن این بار در نگاه و منظر متفاوت آن بعد فرهنگی‌ای را تجربه کند که در مکاشفات، تولید و خلاقیت‌های او اثرگذار باشد.

بازدید کننده شهری را نظاره می‌کند که تاریخی آکنده از خلاقیت‌ها دارد از استقرار آن در طبیعت تا فرآورده‌های آن در بسترهای متفاوت فرهنگی، هنری، علمی... از دیروز تا به امروز و در ارتباط با دنیای ایرانی و اسلامی تمام تلاش بر اینست که تا فضائی را تجربه کند که در آن مقیاس امروزی خود را برای حرکت هوشیارانه برای فراهم آوردن بستری مستعد برای خلاقیت‌های آینده دریابد.

شروع برپائی و ساماندهی این حلقه مهم اطلاع‌رسانی از نقطه نظر کالبدی در دست آماده شدن است. منطقه پیاده اصفهان رو به شکل‌گیری است. در راه تحقق فکر شهر موزه اصفهان تمام عناصر لازم را در اختیار داریم و گام‌های بعدی می‌تواند ما را به این طرح آرمانی بطور قطع نزدیک سازد. دستیابی به آن با وجود تمام ظرفیت‌های والای موجود در شهر اصفهان نیازمند مدیریتی بسیار معتقد، متفکر و پویا دارد. دستیابی به آن نیز با بهره‌گیری از استعداد‌های ایران و جهان اسلام میسر است. طرح طبیعتی انگیزه‌ساز دارد. شاید نتوان در سراسر جهان ایران و اسلام فضائی چون اصفهان برای برگزاری میدان تبادل و تعاطی افکار و رسیدن به صلح و آرامش معنوی که از این راه بدست می‌آید یافت.

اصفهان با تمام تلاش هزار و چهارصد ساله‌اش و فضای معنوی و الهام بخشش در اختیار ماست تا به واژه موزه مفهومی پویا، زنده و متفاوت بخشد.

۱۳۸۲/۳/۵

مدیریت شهر موزه نقش

جهان

پانوشتها:

*- این نوشتار با همین محتوا در کنگره بین‌المللی هنرهای اسلامی و صنایع دستی اصفهان ۱۲-۱۷ مهرماه ۱۳۸۱ (۴-۱۹ اکتبر ۲۰۰۲) برگزار شده توسط کمیته میراث فرهنگی کنفرانس اسلامی ارائه گردید ولی فرصت لازم برای عرضه کامل آن فراهم نگردید. اینک با انجام کاست افزوده‌هایی از نظر علاقه‌مندان می‌گذرد.

۱- اسکندر بیک ترکمن در ارتباط با طرح جامع صفوی اصفهان که در سال ۱۰۰۶هـ.ق (۱۵۹۷م) طرح

افکنده شد گزارش روشنی را ارائه می‌دهد.

در دو سند دیگر یکی نقاوة‌الاثار نوشته محمودبن هدایت الله افوخته‌ای نظنزی و دیگری تاریخ عباسی یا روزنامه جلالی نوشته ملاجلال‌الدین منجم در سال ۹۹۹ و هزار از طرح افکنی چهار بازار، قیصریه و میدان به صراحت یاد می‌کند و ملاجلال‌الدین ماده تاریخ "یافته میدان اصفهان صفا" را که به یک‌هزار حساب می‌شود را آورده است. که به دین معنی است که به گفته اسکندربیک میرزا، شاه عباس پیش از قطعی کردن نیت خود در انتخاب اصفهان "همیشه خاطر اشرف به دان متعلق بود که در آن بلده شریفه رحل اقامت انداخته توجه خاطر به ترتیب و تعمیر آن مصروف دارند..." اقداماتی در پیش بودن قصد و نیت خود به عمل می‌آورده است که از آن جمله می‌توان ساماندهی فضای شهری اصفهان در جوار دولتخانه نقش جهان که در باغ نقش جهان و در درون حصار (بویهی) قرار داشت را یاد کرد.

برای ورود به دیدگاه‌های آرمانی در معماری و شهرسازی اسلامی به ویژه اصفهان در دهه اخیر سخن بسیار آغاز شده است که عمدتاً باید آنرا در رساله‌های پایانی و گزارش‌های علمی دوره دکترای معماری و شهرسازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی و مقالات منتشره در دو کنگره تاریخ معماری و شهرسازی در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ یافت. برای نمونه مراجعه شود به زهرا اهری "علم مثال و بیان فضائی آن در مکتب شهرسازی اصفهان" در دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران و نیز رساله نهائی دکترای ایشان در سال ۱۳۸۱ در ارتباط با مبانی نظری شهرسازی اصفهان - دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.

۲- دشت اصفهان و به طور مشخص شهر اصفهان هزارسال تجربه شهرنشینی را به شیوه اسلامی ایرانی پشت سر گذارده بود و در این گذر طعم ویژه دو دوره برجسته را آزموده بود که تسامحا از آن به عنوان دوره تشکل اصفهان در دوره بویهی و آن دیگری گسترش شیوه‌ای سلجوقی می‌توانیم یاد کنیم و از این دو شواهد ملموس زیادی در دست‌نداریم ولی از چند سند مشخص می‌توان یاد کرد:

آن شهری که ناصرخسرو در سال ۴۴۴ هـ (۱۰۸۱ م) (سفرنامه) به طور تحسین‌آمیزی وصف می‌کند و می‌گوید که: "من در همه زمین پاریسی گویان شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادتر از اصفهان ندیدیم" قطعاً توصیفی از یک شهر سلجوقی نیست زیرا که طغرل اصفهان را به دون درگیری با ابومنصور علاءالدوله فرامرز به سال ۴۴۳ (پیرنیا، تاریخ یزد) در اختیار می‌گیرد. و تنها یک سال بوده که اصفهان را سلجوقیان اداره می‌کرده‌اند. و مدیریت آنرا به جوانی نیشابوری "که دبیری نیک با خط نیکو، مردی آهسته نیکو لقا و او را خواجه عمید می‌گفتند" سپرده بود که "فضل دوست بود و خوش سخن و کریم." (سفرنامه). اصفهان در پایان سده سوم و آغاز سده چهارم و پس از آن طی یکصد و بیست (۳۳۲۴-۴۴۳/۹۶۵-۱۰۸۰) سال حکومت مترقی آل بویه توانسته بود که در شکل ایرانی-اسلامی خود شکل گیرد و یک زندگی شهری متحول را عرضه دارد.

درباره اصفهان دوره سلجوقیان به ویژه سلجوق بزرگ و بزرگان آنان ملک‌شاه، خواجه نظام‌الملک که اصفهان را کانون توجه خود قرار داده بودند آنکه به ما اخباری دلپذیر می‌دهد ما فروخی (مورخ سده پنجم) از طریق کتاب‌اش محاسن اصفهان است (تالیف بین سالهای ۴۶۵-۴۸۵ دهخدا) و ترجمه قرن هشتمی که از آن داریم. در قیاس با اقدامات سترک سلجوقیان در معماری؛ نظیر آنچه که در مسجد جامع اصفهان انجام دادند می‌باید نظامی جدید را در شهر سلجوقی اصفهان جستجو کنیم که بسان مسجد جامع در بافت موجود آن سایه افکنده و تغییراتی عمده در آن به وجود آورده باشد. بر این قیاس نیز می‌توان مدعی شد که سلجوقیان پدید آورنده شهرها نبوده‌اند بلکه تغییر دهنده بودند. نوآوری ایشان در بهم ریختن نظام سنتی گذشته در اشکالی که پاسخگوی خواسته‌هایشان باشد بوده است. هر چند متون درباره اقدامات درخشان سلجوقیان قلم فرسایی بسیار دارند ولی دوره کوتاه بزرگی ایشان در اصفهان (۴۶۵-۴۸۵) امکان تحولاتی عظیم را در شهر نمی‌داد به ویژه که ایشان در شهرنشینی سابقه‌ای نه چندان بلند داشتند و اصفهان شهری نبود که با ایشان سرمهربانی داشت به ویژه که خود موجب پدید آمدن تشتهای شدید اجتماعی سیاسی مذهبی

فرهنگی و نژادی در شهر شدند.

۳- مبحث طرح جامع صفوی ضرورت گشایش و گسترش دارد. این مجمل به همین نیت در این فرصت عرضه می‌شود.

۴- حمله افغانه و سقوط صفویه ۱۱۳۴هـ

۵- سلسله افشاریان ۱۱۴۸هـ-۱۲۱۸هـ

۶- زندیان ۱۱۶۳هـ-۱۲۰۹هـ

۷- اصفهان در دوران آبادانی مساحتی بالغ بر شصت کیلومتر مربع (شش هزار هکتار) و جمعیتی بیش از هفتصد هزار نفر داشت. تهران و شیراز درون حصار دوران زندیه حدود چهارصد هکتار مساحت با جمعیتی کمتر از هفتاد هزار نفر می‌توانست داشته باشد. اصفهان در دوره صفویه گسترشی را یافت که هیچ شهر پیش از دوران صنعت ایران در فلات مرکزی نتوانست بیابد. اصفهان را در واقع باید بزرگترین شهر تمام دوران اسلامی ایران پیش از دوران صنعت دانست.

۸- از یکصد و سی کاخ دولتی در متون یاد شده است.

۹- بر حسب گفته محمد مهدی اصفهانی در صفحه ۵۶ کتاب نصاب جهان فی تعریف الاصفهان تقریباً چهارصد باغ در تمام شهر اصفهان بعضی مشهور و برخی غیر معروف وجود داشت.

۱۰- گزارشها و نقشه‌های ارگ حکومتی و باغهای طرفین چهارباغ شمالی و جنوبی و نیز سواحل شمالی جنوبی و رودخانه را در شکل نهانی خود در دوره صفویه نشان می‌دهد که اگر با آنچه شاردن ارائه داده است جمع‌بندی شود تصویر روشن‌تری فراهم می‌آید.

۱۱- اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار - مهریار، قدیری، تهرانی انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۸

۱۲- امیرکبیر در ربیع‌الآخر ۱۲۶۸ (ژانویه ۱۸۵۲م) در فین‌کاشان به شهادت رسید.

۱۳- اصفهان یکصد و سیزده سال پیش، محمد عاصمی، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر ۱۳۵۰

۱۴- هر چند براساس همین مدرک ظل‌السلطان از سالهای ۱۲۹۹ کار فروش املاک دولتی را شروع کرد. مسعود میرزا (ظل‌السلطان) متولد ۱۲۶۶ هـ ق و در سال ۱۳۳۶ هـ ق دیده از جهان فرویست. وی به مدت ۳۴ سال حکمرانی ایالات مختلف ایران را بطور پیوسته در دست داشت و از سال ۱۲۹۱ حکمرانی مطلق‌العنان وی در اصفهان آغاز می‌شود (جابر انصاری)

۱۵- میرزا حسن خان جابر انصاری، تاریخ اصفهان تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری موسسه انتشاراتی مشعل با همکاری شرکت بهمن ۱۳۷۹

۱۶- بودن ۱۹۳۲ - اصفهان در قرن هفدهم - ترجمه اصغر کریمی - صص ۱۹۰-۲۷۷ شماره ۳۱-۳۲ مجله اثر ۱۳۷۹ سازمان میراث فرهنگی کشور

۱۷- طرح جامع کوکس را شاید بتوان گفت که نخستین طرح جامع شهری در ایران به مفهوم معاصر آن است که در سال ۱۳۴۰/۱۹۶۱ تهیه گردید.

۱۸- طرح جامع تهیه‌شده توسط مهندسین مشاور ارگانیک در سال ۱۳۵۰ فراهم آمد.

۱۹- طرح جامع مهندسین مشاور نقش جهان پارس به سال ۱۳۶۴ فراهم گردید

۲۰- این اقدام از سال ۱۳۴۸ با بهره‌گیری از کمکهای بلاعوض وزارت کشور به شهرداری شروع شد، بعداً از محل طرحهای عمرانی زیر نظر نگارنده اقدام گردید. و تاکنون ادامه دارد. بازار شرقی میدان هنوز زندگی لازم را به علت وضع ناهنجار ارتباط آن با میدان و محلات پشت آن به دست نیاورده است.

۲۱- فکر انجام یک چنین اقدامی ابتدا در سال ۱۳۴۸ توسط نگارنده مطرح شد و با پشتیبانی وزارت فرهنگ و هنر و وزارت کشور و مرحله اول آن در فاصله بین میدان نقش جهان و کاخ چهلستون که عمدتاً املاک خالصه بود در سال ۱۳۴۹ به مرحله اجرا در آمد و مرحله دوم آن در فاصله چهلستون و چهارباغ در سال ۱۳۵۳ براساس طرحی که توسط نگارنده و در ارتباط با محور پیاده بازار فراهم گردید تحقق یافت.

۲۲- متاسفانه با مداخله غیر منطقی و غیر قانونی استانداری وقت اصفهان در سالهای ۶۰ بر روی آثار باغ کاخ خلوت ساختمان ناهنجار استانداری فعلی تحمیل شد و بخشی از فضای مجموعه ارگ حکومتی صفوی را از قالب طرح بیرون آورد و جاهلانه بر پیکره طرح ضربه وارد آورد، هر چند تخریب آنرا شورای عالی شهرسازی به تصویب رساند که البته تاکنون به مرحله اجرا در نیامده است.

۲۳- به منظور دستیابی به طرحی اصولی و همه جانبه مهندسین مشاور خاص ابرکوه (دکتر میرفندرسکی و همکاران) این اقدام از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸ ادامه داشت. هر چند طرحهای فراهم آمده به علت شرایط خاص پس از پیروزی انقلاب اسلامی معوق ماند ولی مطالعات انجام یافته توسط مهندسین مشاور مذکور به ویژه در ارتباط با بازیابی ابعاد و کیفیت های ارگ حکومتی صفوی از ارزش خاصی برخوردار است. این مطالعات به استناد متون و به ویژه گزارش کمپفر و کاوشهای انجام یافته در محوطه توسط باستانشناسان (محمود کردوانی و مرحوم حاکمی) امکان تحقیق یافت.

پیش از شروع کار مهندسین مشاور خاص طرحی مقدماتی توسط نگارنده در سال ۱۳۵۳ تهیه گردیده بود که مبنای حرکت آزادسازیهای فاصله میدان نقش جهان و چهارباغ گردید.

خطوط کلی طرح مذکور بر اساس یافته های تحقیقاتی و نقشه سیدرضا خان فراهم آمده بود.

۲۴- به طول تقریبی ده کیلومتر. این یادگار را از همت مرحوم عباس بهشتیان عضو انجمن آثار ملی و بزرگترین حامی شهر تاریخی اصفهان در تمام ابعاد فرهنگی و زیست محیطی آن باید دانست که این نگارنده آموخته های خود را مدیون تلاش های بی وقفه ایشان در حفاظت از میراث ارزنده شهر اصفهان می داند. البته تلاشهای مثبت شهرداری اصفهان در زمان تصدی مهندس محمودیان (رئیس دفتر فنی شهرداری) مهندس آزمایش و به ویژه ملک مدنی را نباید فراموش شود.

۲۵- به منظور پیوند دادن محور پیاده شمالی جنوبی به محور شرقی غربی (رودخانه) در طرحهای جامع ۱۳۵۰ و ۱۳۶۴ چهارباغ از مبدا دروازه دولت تا رودخانه محوری پیاده در نظر گرفته شده و حرکت سواره در دو خیابان موازی آن پیش بینی شد

۲۶- این طرح توسط نگارنده و بر اساس پیشنهاد طرح پیاده محور فرهنگی تاریخی فراهم آمده برای سازمان یونسکو توسط مهندس منتظر، مهندس وافی، مهندس قریشی و دکتر جبل عاملی استوار گردیده است. این طرح در سال ۱۳۸۰ نظر موافق سازمان میراث فرهنگی کشور و شورای اسلامی شهر اصفهان را بطور اصولی کسب کرد.

۲۷- که با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور و دانشگاه هنر در سالهای ۱۳۶۰ محقق گردید.

۲۸- که اقدامی مثبت از سوی شهرداری و استانداری بود و در سالهای ۱۳۶۰ ممکن گردید.

۲۹- طرح این محل توسط مهندس منتظر فراهم دیده شد و در سال ۱۳۷۴ به تأیید سازمان میراث فرهنگی کشور رسید

۳۰- رضا ابونئی رساله نهائی کارشناسی ارشد رشته مرمت بناها و محوطه های "امکان سنجی احیای" میدان نقش جهان دانشگاه هنر اصفهان، سال ۱۳۷۷ استاد راهنما دکتر شیرازی

۳۱- طرح بازسازی طبقه فوقانی میدان توسط نگارنده فراهم دیده شده و ابتدا با حمایت های مهندس جهانگیری استاندار وقت اصفهان و مهندس سراج الدین کازرونی رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی کشور به مرحله اجرا در آمده و تا به امروز نیمی از آن بازسازی شده است.

۳۲- پیش بینی شده در فاصله مسجد شیخ لطف الله تا سرای نخجوانیها در بخش جنوب شرقی رساله نهائی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اصفهان - لیلیا فریور صدری، استاد راهنما دکتر باقر شیرازی - ۱۳۸۰ یک رساله نهائی کارشناسی ارشد مرمت بناها و بافتهای تاریخی از همین دانشگاه توسط رستمیان، استاد راهنما دکتر عبدالله جبل عاملی در ارتباط با بازسازی بازار و کاروانسرای مقصود بیک قابل ذکر است. سرای نخجوانیها واقع در گوشه جنوب شرقی بازار میدان نقش جهان به عنوان یکی از هسته های فرهنگی جهانگردی با همکاری مشترک سازمان میراث فرهنگی و شهرداری در دست بازسازی است.

ISFAHAN IN HISTORY

III EARLY ISLAMIC PERIOD ... 10 772 A.C. (150 B.)

IT IS BELIEVED THAT "ISFAHAN" IN THIS PERIOD, CONSISTED OF TWIN URBAN SETTLEMENTS, "JEY" NEAR THE RIVER AND "YANDUGHEN" NORTHWEST OF IT AT A DISTANCE OF ABOUT TWO MILES, EACH SURROUNDED BY VILLAGES UNDER THEIR JURISDICTION. THE ARRIVAL OF MUSLIMS (644 A.C., 240.) IN THE REGION, IT SEEMS, HAD LITTLE IMPACT ON URBAN DEVELOPMENT UNTIL THE IMPROVEMENTS OF THE 6TH CENTURY A.C.

IV AL BUVID AND SELJUK PERIOD 825 - 1100 A.C. (224 - 522 B.)

IN THE 10TH CENTURY IRAN REGAINED POLITICAL AUTONOMY, WITH CONSEQUENT ECONOMIC, SOCIAL AND CULTURAL REVITALIZATION. IN THE FIRST HALF OF THE 10TH CENTURY THE MOST POPULATED PART OF ISFAHAN WAS ENCLOSED BY A FORTIFIED WALL. THE UNBARRICADED AREA OUTSIDE THE WALLED CITY INCORPORATED LAND TO THE WEST, JAY TO THE EAST AND THE AGRICULTURAL LANDS BETWEEN THEM INTO A CRESCENT-SHAPED AREA NORTH OF THE RIVER.

V INTERNAL MOVEMENTS ... 10 866 A.C. (224 B.)

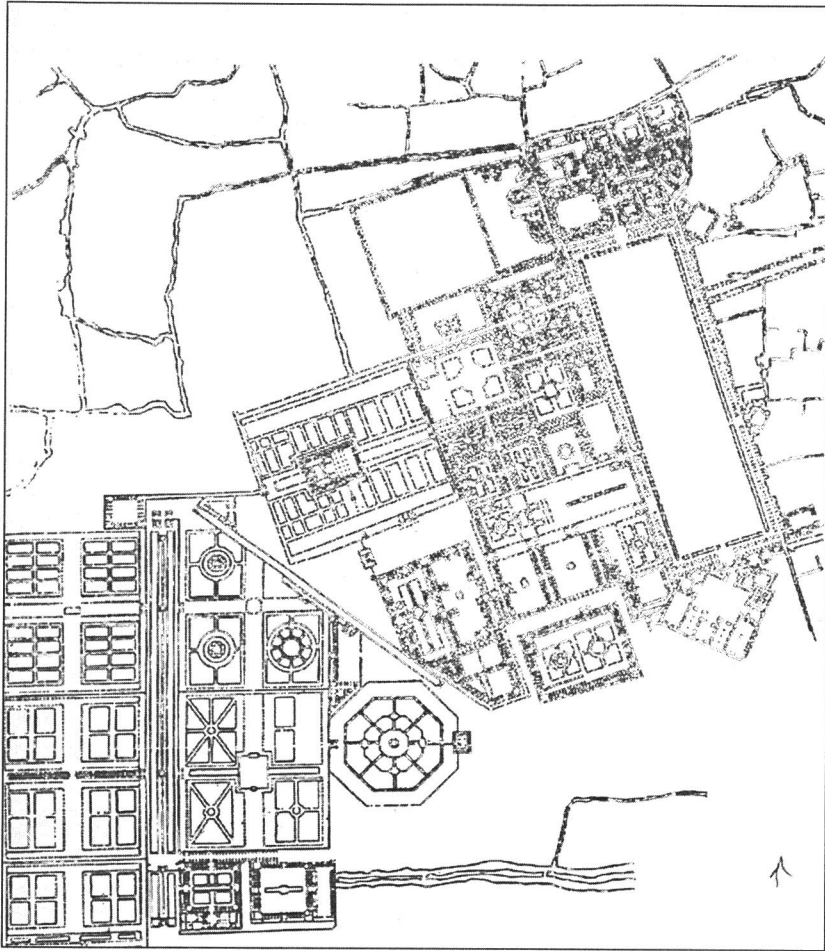
ABDASID PERIOD

FROM THE 8TH TO 10TH CENTURY A.C., ISFAHAN REFLECTED IN ITS DEVELOPMENT THE MAJOR POLITICAL AND SOCIAL MOVEMENTS TAKING PLACE ALL OVER IRAN. THIS BROUGHT GREATER URBAN DEVELOPMENT WHICH ABSORBED SURROUNDING RURAL AREAS INTO THE CENTERS.

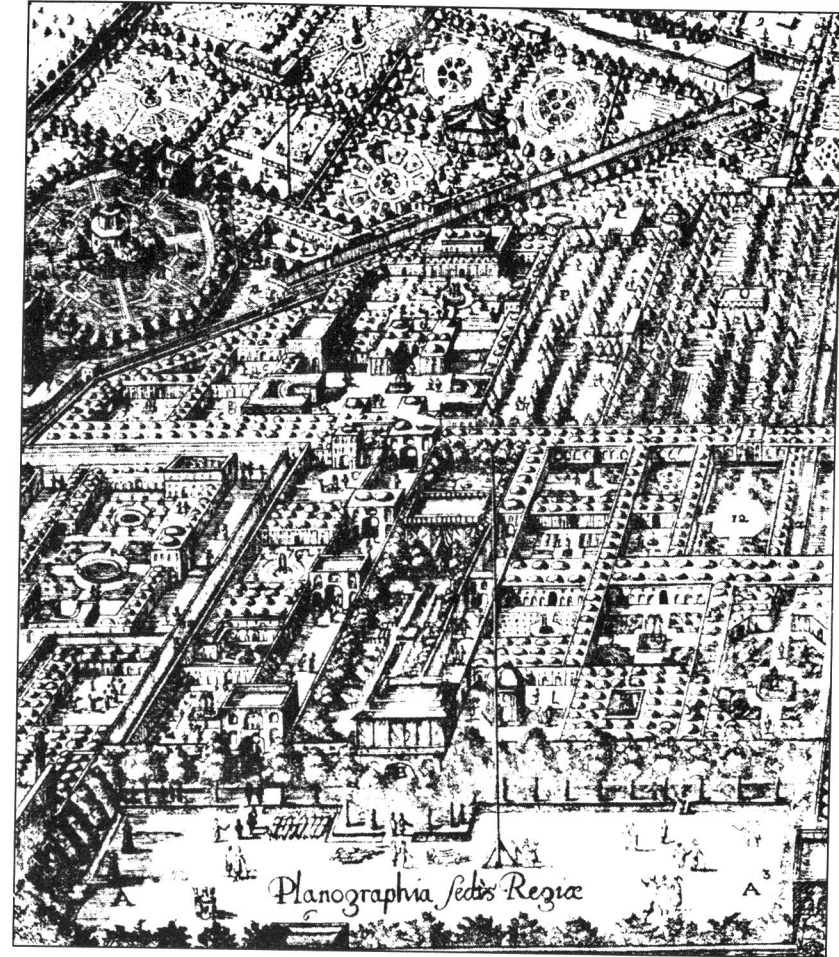
VI SAFAVID PERIOD 1507 - 1722 A.C. (1100 - 1120 B.)

ISFAHAN'S GREATEST DEVELOPMENT TOOK PLACE IN THE 17TH CENTURY, WHEN IT WAS THE CAPITAL OF THE SAFAVID EMPIRE. A PRECONCEIVED PLAN AIMED TO REGULATE THE CITY DEVELOPMENT, EXTENDING THE URBAN GRID SOUTH OF THE RIVER INTO THE WATERFRONT PROPERTIES OUTSIDE THE EXISTING CITY, WITHOUT RADICALLY ALTERING ITS STRUCTURE. THIS DEVELOPMENT WAS GUIDED BY TWO MAIN AXES, THE RIVER, WEST AND EAST AND CHAD BAH, NORTH AND SOUTH.

عکس شماره ۱ سیر تحول تاریخی شهر اصفهان چهار مرحله مهم از حیات شهر اصفهان: چپ بالا پیش از ظهور اسلام، چپ پائین صدر اسلام، راست بالا حصار بویهی راست پائین طرح جامع دوره صفوی، مطالعات انجام یافته توسط نگارنده در فاصله سالهای ۵۴-۶۷ منتشر شده در کاتالوک نمایشگاه اصفهان در موزه بریتانیا در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) به مناسبت جشنواره جهان اسلام در لندن



عکس شماره ۳ نقشه بازسازی ترسیمی دولتخانه (ارگ حکومتی) صفوی براساس گراور کمپفر. متون و مطالعات میدانی توسط مهندسین مشاور خاص - دکتر میرفندرسکی و همکاران ۵۷-۱۳۵۲ در این نقشه چند نکته درباره طرح جامع صفوی قابل توجه است: ۱- جهت گیری میدان نقش جهان که تحت تاثیر الزامات پیوند با بافت تاریخی و سوی قبله است. ۲- تبعیت بافت دولتخانه از جهت گیری میدان نقش جهان ۳- چرخش زاویه محور چهارباغ به سوی جنوب بر روی مفصل حصار بویهی ۴- پیروی طرح باغ گلدهسته از جهت گیری حصار بویهی.

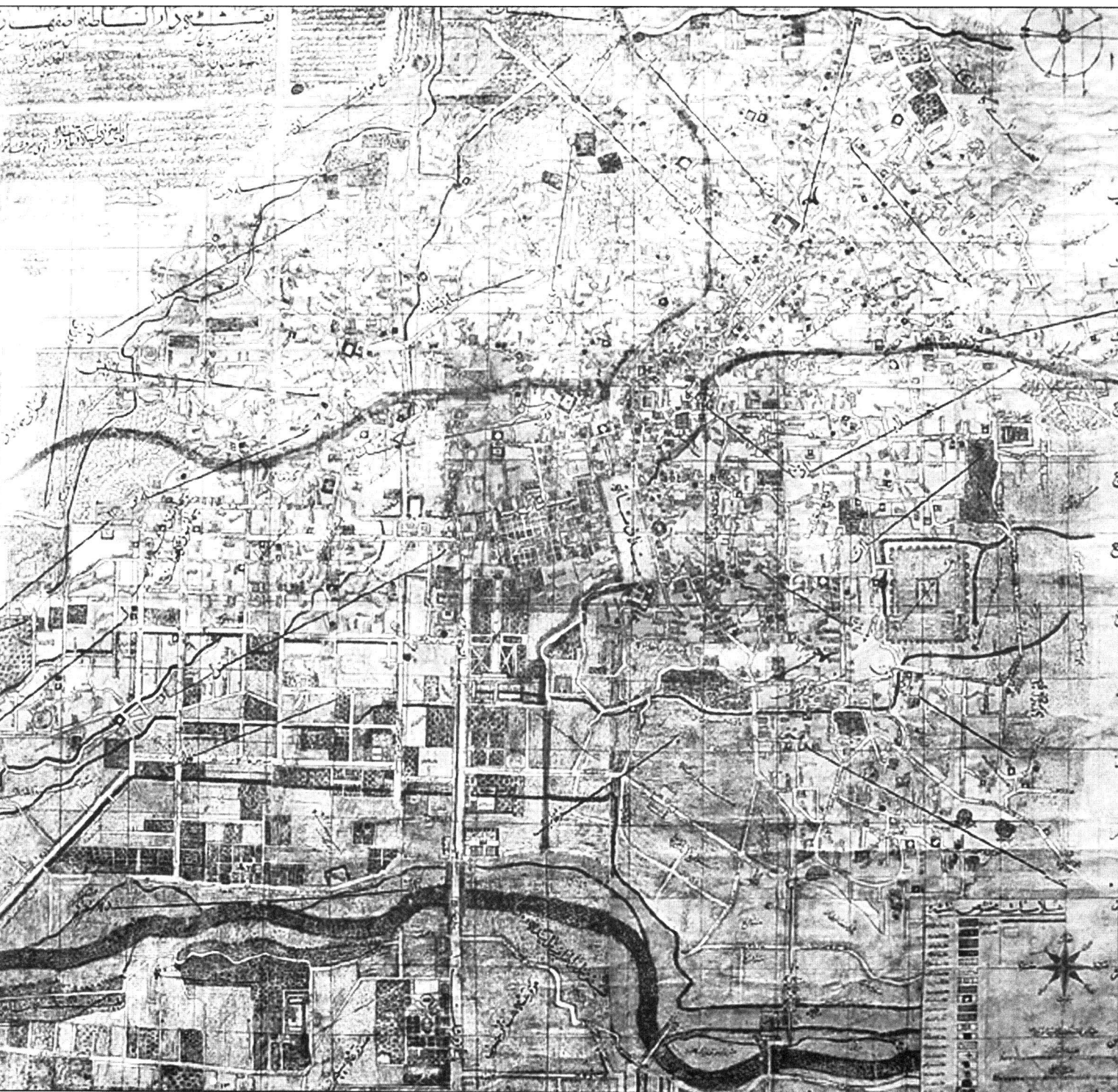


عکس شماره ۲ سال ۱۰۷۷ ه.ق. منظر عمومی دولتخانه (پلانوگرافی مقر شاهی) صفوی در فاصله میدان نقش جهان تا محور چهارباغ (کمپفر). بالای تصویر دست راست دروازه دولت و عمارت جهان نما قرار دارد که آغاز حرکت محور چهارباغ به سوی جنوب است. خط ارتباط دهنده مایل دروازه دولت و باغ گلدهسته (هشت ضلعی) که گذری را مشخص می کند به احتمال زیاد حد جنوب غربی حصار بویهی قرن چهارم است و فاصله میدان نقش جهان و حصار بویهی که دولتخانه در آن ایجاد شده است محدوده تقریبی باغ تاریخی نقش جهان است. این سند تنها مدرک مصور از دولتخانه صفوی است که در شرائطی فراهم آمده که اصغهان صفوی در اوج گسترش خود بوده است.

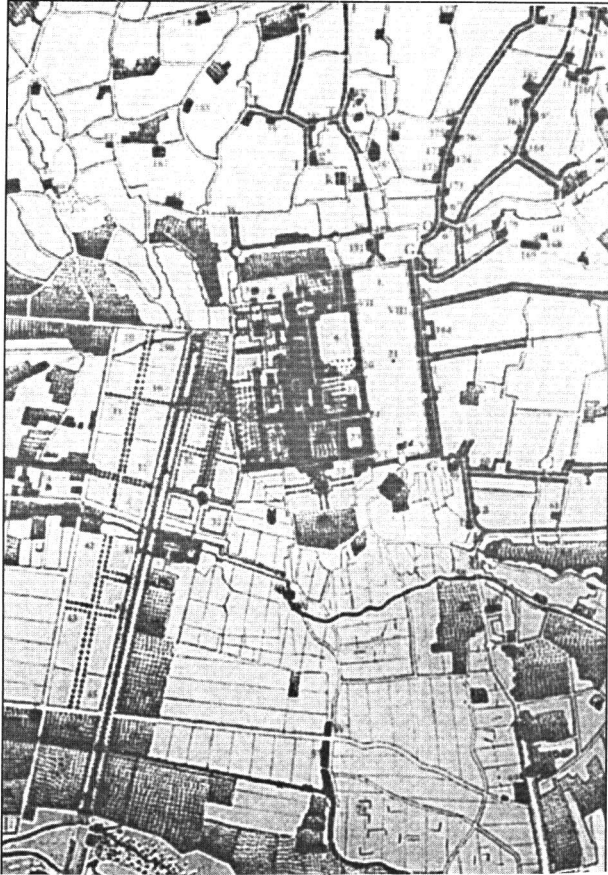
عکس شماره ۴ جزئیاتی از طراحی شهری طرح جامع صفوی در ارتباط با پیوند دادن بافت کهن به بافت جدید شهر. مشاهده می شود که چگونه طراحان با ایجاد چهار بازار و تاسیسات مرتبط با آن امکان جریان بخشیدن حرکت زندگی شهری در یک تعامل منطقی را فراهم ساخته اند (بخشی از نقشه محور بازار شمالی جنوبی اصفهان در فاصله میدان کهنه و نو (نقش جهان) تهیه شده در سالهای ۴-۱۳۵۰ زیر نظر نگارنده در دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان)



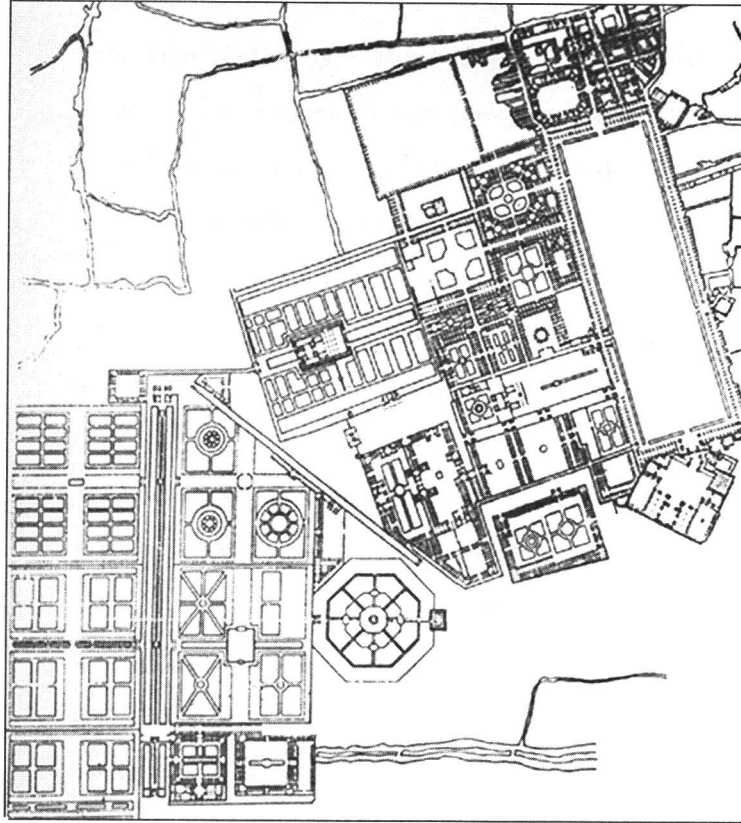
عکس شماره ۵ نقشه عمومی شهر اصفهان تهیه شده زیر نظر سرهنگ چیریکف در سال ۱۸۵۱/۱۲۶۹ ه.ق (اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار از انتشارات دانشگاه شهید سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۷۴). بی تردید این نقشه یکی از مستندترین مدارک فراهم آمده از اصفهان است که در آن طرح جامع صفوی پس از گذشت دوپست و شصت سال هنوز به وضوح قابل تشخیص است.



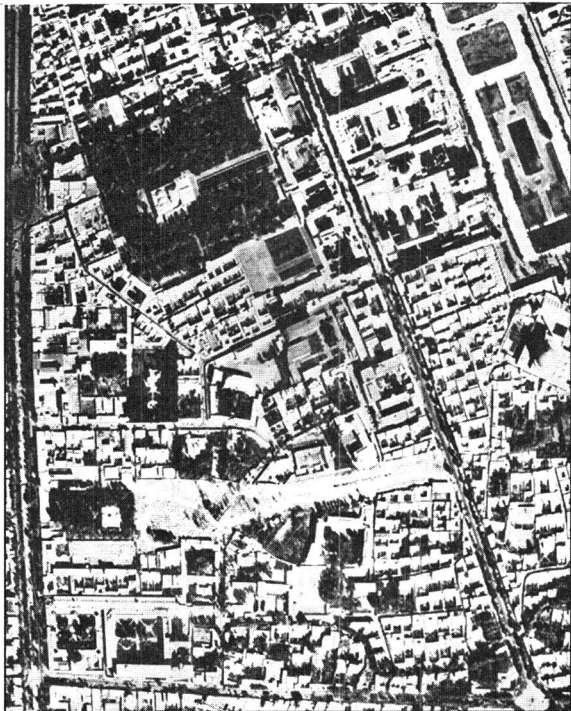
عکس شماره ۶ نقشه عمومی شهر اصفهان (بخش شمالی و قسمتی از بخش جنوبی) تهیه شده توسط سیدرضاخان در سال ۱۲۰۲ ه.ش. که اصفهان را در هشتاد سال پیش و در آغاز تحولات ناشی از صنعت نشان می دهد. خطوط پررنگ طرح جامع صفوی علی رغم گذشت چهارقرن هنوز قسابل مشاهده است. این سند بی شک یکی از مهمترین اسناد گویای زندگی شهر اصفهان به شمار می آید.



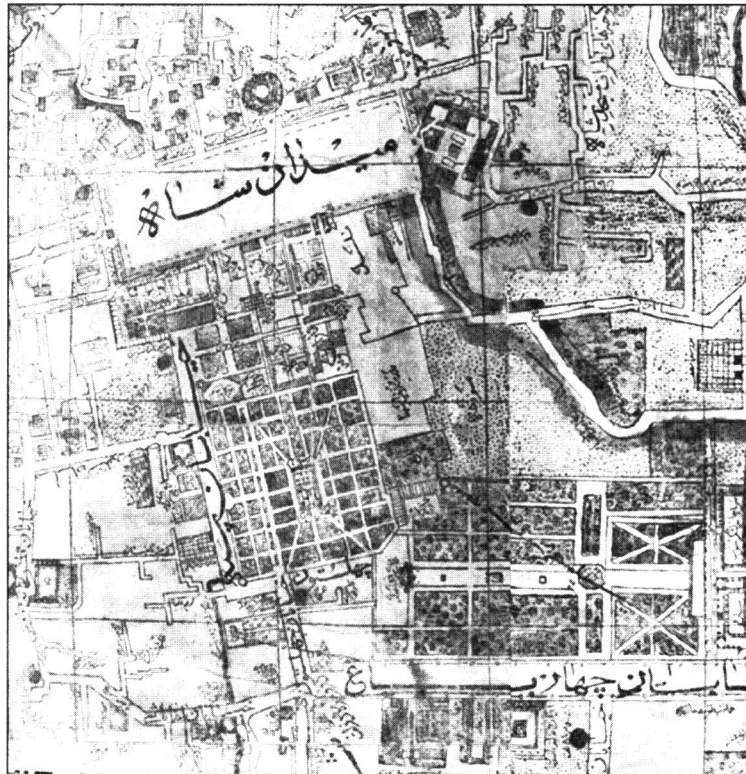
عکس ۸



عکس ۷



عکس ۱۰



عکس ۹



عکس شماره ۱۲ - منظر عمومی شهر اصفهان در سال ۱۳۵۳. نگاه از جنوب شرقی. منطقه باغهای سعادت آباد، هفت دست، آینه خانه و طاووس خانه. ملاحظه می شود که علی رغم ایجاد کارخانه های نساجی در محل باغهای صفوی در آغاز دوره صنعتی ایران هنوز فضاهای بسیار گسترده ای از عرصه باغهای صفوی در کنار ساحل جنوبی رودخانه زاینده رود باقی است که اینک عمدتاً توسط فضاهای مسکونی اشغال گردیده است. امروزه امتداد ساحل شمالی - جنوبی رودخانه زاینده و پلهای تاریخی آن فضای بی نظیری را در محور شرقی غربی شهر اصفهان شکل داده است که در ترکیب با محور شمالی جنوبی پیاده می تواند در آینده استخوانبندی دو محور اصلی شبکه پیاده شهر اصفهان را در ارتباط با شبکه سواره به وجود آورد.

➔ عکس شماره ۷ تا ۱۰

دولتخانه صفوی مقایسه ادواری

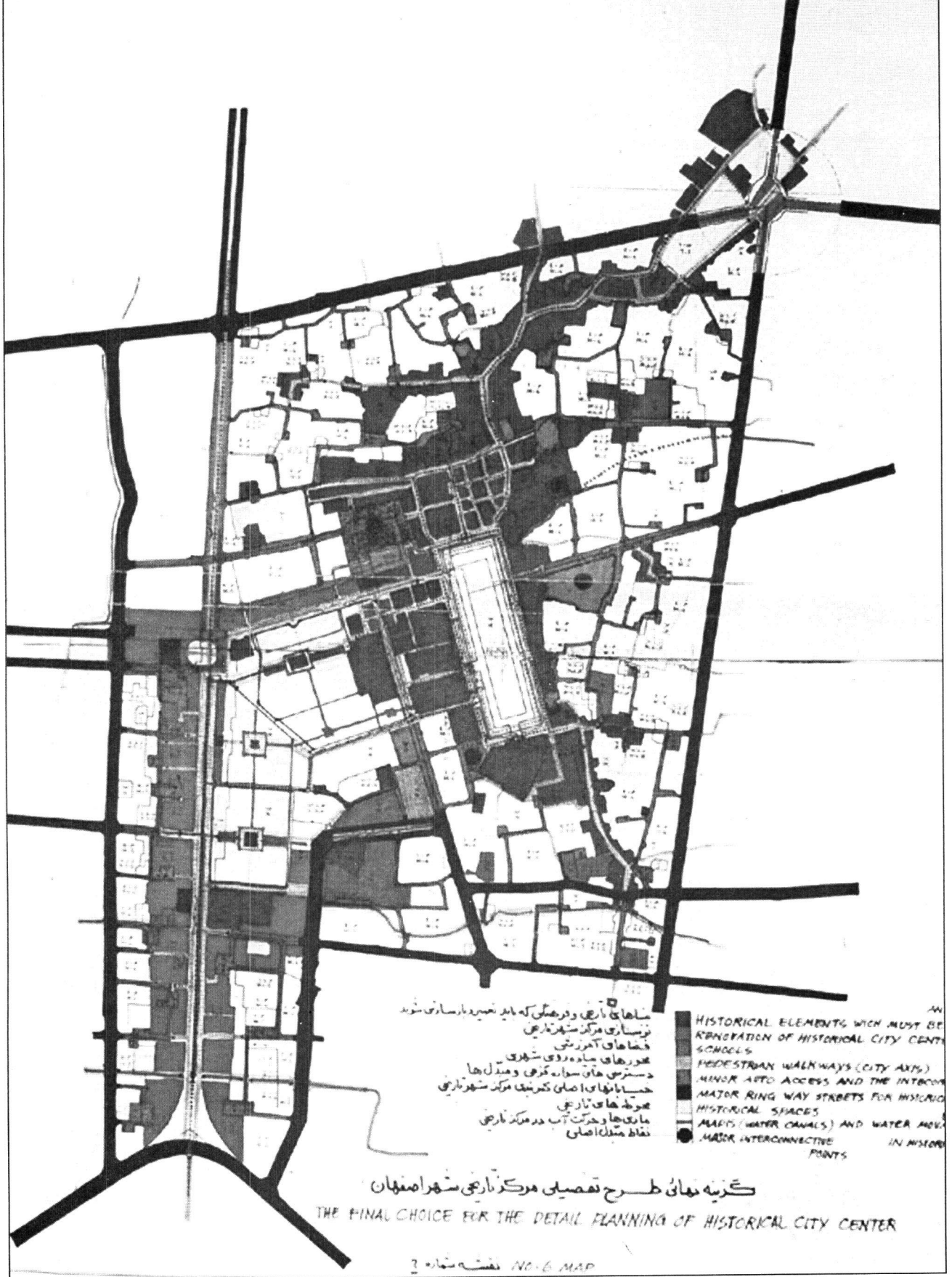
۷- سال ۱۰۰۷ ه.ق/۱۶۶۶ م (کمپفر)

۸- سال ۱۲۶۹ ه.ق/۱۸۵۱ م (چیریکف)

۹- سال ۱۳۰۲ ه.ش/۱۹۲۳ م (سیدرضاخان)

۱۰- سال ۱۳۴۵ ه.ش/۱۹۶۶ م (سازمان نقشه برداری کشور)

ملاحظه می شود که چگونه مرکز شهر صنعتی شده اصفهان بر باغهای محور چهارباغ و دولتخانه لانه کرده است. برای مثال از باغ هشتاد هزار متری هشت بهشت تنها سه هزار متر آن باقی است که بلواری در جهت شرقی غربی (طرح جامع کوکس) موجودیت خود کاخ را نیز تهدید می کند.



عکس شماره ۱۲ طرح تفصیلی محور فرهنگی تاریخی شهر اصفهان در فاصله میدان کهنه تاسی و سه پل که به صورت بخشش شبکه پیاده شهر فکر شده است. (منتظر وافی. قریشی. جبل عاملی ۱۳۷۳)